

رخداد

آمنه همچنان گرفتار مشکلات مالی

■ **فارس:**
آمنه بهرامی که بعدازظهر دیروز تحت عمل جراحی قرار گرفت پیش از عمل گفت فقط پول عمل جراحی پیوند پلکشن را به او داده‌اند.
آمنه بهرامی که هم‌اکنون برای طی دوره درمانی خود به کشور اسپانیا و شهر بارسلون رفته، گفت:قرار است پلک چشم چپم که بر اثر ریخته شدن اسید به کلی از بین رفته بود توسط سه متخصص پیونده زده شود.
قربانی اسیدپاشی گفت:قرار است پزشکان متخصص از لب‌ها و پشت گوشم پوست جدا کنند و به پلکم پیوند بزنند.وی خاطرنشان کرد:این‌عمل جراحی قرار بود روز چهارم اسفند انجام شود اما به دلیل آنکه هزینه‌های عمل تامین نشده بود عمل جراحی لغو و قرار شد تا دوشنبه انجام شود.
آمنه بهرامی درباره عمل جراحی پیوند قرینه و به دست آوردن بینایی‌اش گفت:قرار است پزشکان حین این عمل جراحی بررسی کنند که امکان پیوند قرینه و همچنین به دست آوردن بینایی‌ام وجود دارد یا خیر.
قربانی اسیدپاشی درباره تامین هزینه‌های درمانی‌اش نیز گفت:
با پیگیری‌های سفیر ایران در اسپانیا و همچنین وزیر امور خارجه فقط هزینه عمل جراحی به دستم رسید.
وی افزود:حدود ۸۵۰۰ یورو به حسابم واریز شده که فقط هزینه عمل جراحی است و مجبور شدم تمامی داروهای مورد نیاز را خودم تهیه کنم.

قصاص

مجازات قاتل نوعروس ۱۷ ساله

■ **مهر:**
مرد جوان که نوعروس ۱۷ ساله‌اش را یک روز پس از عقد به قتل رسانده بود، به اعدام محکوم شد.
اسماعیل ۲۸ ساله متهم است بیستم بهمن سال گذشته یک روز پس از عقد با دختر ۱۷ ساله‌ای به نام فاطمه او را با ضربه‌های کارد به قتل رسانده است.
متهم در جلسه محاکمه‌اش که در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد،گفت:
با پیشنهاد مادرم به دیدن فاطمه،متم و در روز نخست وی را پسندیدم تا اینکه عقد کردیم.
وقتی برای نخستین‌بار با هم تنها شدیم ساعتی بعد از عقدمان بود که متوجه بوی بد دهان فاطمه شدم.
همان لحظه احساس کردم با دختری شایسته ازدواج کرده‌ام و تا آخر عمر باید بدبختی بکشم.
شب پاکشا از خانه بیرون رفتم.
وقتی سر کوچه رسیدم جاقوفروشی را دیدم یک چاقو خریدم و بازگشتم داخل خانه که شدم همه خندان روی مبل‌هانشسته بودند.
بدون اینکه حرفی بزنم سراغ فاطمه رفتم و با چاقو به وی ضربه زدم.
پس از آخرین دفاعیات متهم و وکیل مدافش قضاات دادگاه وارد شور شدند و اسماعیل را به قصاص نفس محکوم کردند.

اعدام برای قتل همسر سوم

■ **مهر:**
مردی که همسر سوم خود را با ضربه‌های کارد به قتل رسانده بود با رای قضات دادگاه کیفری استان تهران به قصاص محکوم شد.
وقوع این جنایت ۱۷ مرداد ۸۸ به پلیس اطلاع داده شد.
زن جوانی در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ ادعا کرد برادرش به دلیل اختلافاتی که با همسرش داشته او را کشته است.
دقایقی بعد تیمی از ماموران به محل حادثه رفتند و با جسد خونین هاجر روبه‌رو شدند.
زن جوان بر اثر اصابت ضربه‌های کارد به گردنش از پا درآمده بود.
همسر هاجر سه نام تزی نیز در محل دستگیر شد که در جریان بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت:
مقتول، همسر سوم من بود.امروز به دیدن همسر سابقم رفته بودم.
وقتی برگشتم او بر سر این موضوع دعوا راه انداخت.
در یک لحظه کنترلم را از دست دادم و با کارد چند ضربه به گردنش زدم.
بعد هم موضوع را به خواهرم گفتم.
پس از اعتراف تقی به این جنایت و بازسازی صحنه قتل پرونده با صدور کیفرخواست به شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.
در جلسه محاکمه که به ریاست قاضی محمد سلطان همتیار برگزار شد اولیای دم خواستار قصاص شدند.
متهم هم با قبول اتهام خود به تشریح جنایت پرداخت.
سپ از آخرین دفاعیات متهم قضاات دادگاه وارد شور شدند و تقی را به اتهام قتل همسرش به قصاصی محکوم کردند.

چهره‌نگاری راز سارق مسلح را فاش کرد

■ **شرق:**
سرپرست پلیس آگاهی استان کرمانشاه از دستگیری سارق مسلح سابقه‌داری خبر داد که اقدام به سرقت مسلحانه احشام کرده بودند.
سرهنگ احسان‌بخش با بیان اینکه در پی وقوع سرقت مسلحانه احشام در شهرستان اسلام‌آباد غرب،آکیبی از کارآگاهان مسوول رسیدگی به این پرونده شدند گفت:
کارآگاهان در تحقیقات دریافتند دو سارق مسلح شبانه به محل نگهداری احشام مراجعه کردند و با تهدید سلاح، دست و پای نگهبانان را بستند و ۳۰۰ راس گوسفند را با وسیله نقلیه به سرعت بردند.
وی افزود:
با کمک چوپان‌ها چهره‌نگاری از سارقان انجام و مشخص شد سارقان از مجرمان سابقه‌دار هستند که با بررسی بانک اطلاعات مجرمان سابقه‌دار محل تردد احتمالی سارقان شناسایی و با انجام گشت‌های نامحسوس یکی از آنها دستگیر و در بازرسی از محل یک قبضه سلاح کمری کشف و ضبط شد.
احسان‌بخش گفت:
سارق سابقه‌دار در بازجویی‌ها مکرر دخال‌ت در سرقت بود اما با مواجهه حضوری با چوپان مالباخته لب به اعتراف کشود و به سرقت مسلحانه احشام به همدستی فردی دیگر اعتراف کرد.
به گفته وی متهم برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد و تحقیقات برای شناسایی و دستگیری متهم دیگر همچنان ادامه دارد.

شرق:
مرد شیشه‌ای که به خاطر یک توهم قصد داشت دوست خودش را به قتل برساند، جان پدر او را با ضربات چاقو گرفت.
به گزارش خبرنگار ما، مرکز فوریت‌های پلیسی تهران ساعت ۲۱ آخرین روز بهمن‌ماه به ماموران کلانتری جنت‌آباد خبر داد، در طبقه چهارم یک مجتمع مسکونی در خیابان ۳۵متری گلستان، نزاع منجر به قتل درگرفته است.
ماموران با حضور در محل با جسد مردی ۷۵ساله به نام «محمد» روبه‌رو شدند که بر اثر ضربات چاقوی وارد شده به ناحیه سینه و شکم، در مقابل در ورودی واحد مسکونی خود به قتل رسیده بود.
بالافاصله موضوع به بازپرس کشیک ویژه قتل اعلام شد و پرونده برای رسیدگی تخصصی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.
کارآگاهان در بدو امر پی بردند پسر مقتول به نام «پیمان» در زمان جنایت، داخل اتاق خود بود و متوجه درگیری و قتل پدر خود نشده و پس از چند دقیقه، به مراجعه به در خانه با جسد پدرش مواجه شد.
پسر مقتول به کارآگاهان گفت: «ساعتی قبل، مادر یکی از دوستانم با من تماس گرفت و گفت «علی» به سمت خانه ما راه افتاده تا ما من درگیر شود و به همین علت از من خواست تا ر خانه را برای علی باز نکیم.»

پیمان درخصوص علت اختلافش با علی توضیح داد: من از

شرق:
مردی که در پی رابطه با یک زن او را به قتل رسانده و دست به خودکشی ناموفق زده بود در جلسه محاکمه‌اش اعتراف کرد مرتکب قتل شد چون عاشق دختر دیگری شده بود.

به گزارش خبرنگار ما، در این جلسه محاکمه که صبح دیروز در شعبه ۷۴ دادگاه کیفری‌استان تهران برگزار شد اپتدا نماینده دادستان به تشریح کیفرخواست پرداخت و گفت:
۱۸ مرداد سال‌جاری به ماموران پلیس خبر دادند زنی جوان در حالی که غرق در خون است به قتل رسیده است.
زمانی که ماموران به محل رسیدند متوجه شدند این زن که زیبا نام دارد با ضربات چاقوی جوانی به نام سجاد از پای درآمده و مرد جوان بعد از به قتل رساندن زیبا خودش را هم با چاقو زخمی کرده است.
پلیس متوجه شد سجاد در بیمارستان در وضعیت وخیمی به سر می‌برد.
در حالی که ماموران تحقیقات خود را برای بررسی این ماجرا آغاز کرده بودند متوجه شدند زیبا و سجاد از مدت‌ها قبل با هم رابطه داشتند و روز حادثه بعد از اینکه باهم در گرگیر شدند، سجاد زن جوان را به قتل رساند و خودش را هم با ضربات چاقو زد و بیپوش شد.
چند روز بعد از بیمارستان خبر رسید سجاد از مرگ نجات پیدا کرده است و می‌تواند صحبت کند.
وقتی سجاد روی تخت بیمارستان مورد بازجویی قرار گرفت، گفت:
قبول دارم زیبا را به قتل رساندم و از کرده‌ام

حدود پنج سال پیش از طریق برادر علی به نام «مهران» با او دوست شدم و طی این مدت با یکدیگر شیشه مصرف می‌کردیم تا اینکه پس از مدتی علی به دلیل توهم ناشی از مصرف شیشه دایما این موضوع را مطرح می‌کرد که من دستگاهی را در مغز او کار گذاشته‌ام که سر و صدا ایجاد می‌کند و آرامش او را از بین برده است.»
کارآگاهان در اولین مرحله از تحقیقات خود به بررسی صحت اظهارات پیمان پرداختند و اطمینان پیدا کردند، روز حادثه علی قصد داشت با پسر مقتول درگیر شود.
آنها همچنین در بررسی‌های خود از مجتمع مسکونی محل ارتکاب جنایت متوجه شدند درهای ورودی و پارکینگ مجتمع به سیستم دوربین‌های مدار بسته مجهز است و ورود و خروج افراد و وسایط نقلیه در تمام ساعات شبانه روز ضبط می‌شود.
به همین دلیل تصاویر دوربین‌های مدارسته مورد بررسی قرار گرفت و علی حین ورود و خروج از مجتمع شناسایی شد.
دستگیری متهم ۴۱ساله با توجه به اطلاعات به دست آمده در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت و علی در حالی که پس از رفوع جنایت از محل زندگی خود واقع در منطقه حکیمیه، متواری شده بود، پس از انجام اقدامات پلیسی و چندین روز مراقبت‌های نامحسوس، سرانجام وی روز چهارم ماه جاری در

حوادث

جنایت به‌دلیل توهم شیشه‌ای

■ متهم تصور می‌کرد دوستش در سر او دستگاه خاصی برای تولید سروصدا کار گذاشته است



زمان ورود به منزل پدری‌اش دستگیر شد. علی در روزهای اول دستگیری همچنان تحت تأثیر سوءمصرف موادمخدر شیشه قرار

ادعای متهم به قتل زن جوان در دادگاه:

مقتول مانع ازدواج من شد

بالاخره باید یک روز این رابطه تمام می‌شد. آن روز فرا رسید اما زیبا قبول نمی‌کرد.
متهم ادامه داد: در این مدت من عاشق دختری شدم که می‌خواستم زندگی‌ام را با او بسازم.
آنقدر این علاقه در من زیاد شد که دیگر نتوانستم او را ترک کنم.
رابطهام با زیبا روزبه‌روز کمتر می‌شد. این اواخر دیگر علاقه‌ای به او نداشتیم. از زیبا خواستم از زندگی‌ام بیرون برود. به او گفتم دیگر نمی‌خواهم با او رابطه داشته باشم. زیبا در حالی که به شدت ناراحت بود به من گفت اجازه نمی‌دهد ترکش کنم. اما واقعیت این بود که من دیگر این رابطه را نمی‌خواستم.
سجاد در ادامه گفت: زیبا دست‌بردار نبود و به من می‌گفت هر طور شده می‌خواهد مرا ببیند. به حرف‌هایش اهمیت نمی‌دادم. تا اینکه زیبا متوجه رابطه عاشقانه من با دختر جوان شد. او گفت اگر این دختر را ترک نکنی همه چیز را به او می‌گویم. من نمی‌خواستم این اتفاق بیفتد به همین دلیل سعی کردم زیبا را آرام کنم و از او خواهش کردم شرایطم را درک کند. زیبا حاضر نبود با من همراهی کند.
وقتی که دید تصمیم من برای ازدواج با دختری که عاشقش هستم قطعی است تهدیدم کرد و گفت همه چیز را به آن دختری می‌گوید. خواهش کردم این کار را نکند اما زیبا

شایعه رابطه پنهانی، خون به پا کرد

امیر را به دلیل راه انداختن یک شایعه کشته است.

یاسر توضیح داد: «مدتی بود که فهمیده بودم اهالی محل و دوستانم پشت سر مادرم حرف‌های نامربوطی می‌زنند.
وقتی موضوع را پیگیری کردم، فهمیدم امیر همه جا شایعه کرده با مادرم در ارتباط است. شنیدن این حرف برام خیلی گران تمام شد، برای همین چند بار با مادرم مساجره کردم اما او نه تنها هیچ رابطه‌ای با امیر نداشت بلکه اصلا او را نمی‌شناخت و نمی‌دانست این جوان کیست و چرا چنین ادعاهایی را مطرح کرده است.
من سعی کردم از طریق چند واسطه برای مقتول پیغام بفرستم که از این رفتارهایش دست بردارد اما او همچنان به کارهای خود ادامه می‌داد».

متهم به قتل در ادامه اعتراف‌اش گفت: «چند روز قبل از قتل باخبر شدم، امیر باز هم همان ادعای بی‌اساس را مطرح کرده است. به حدی عصبانی شدم که نتوانستم خودم را کنترل کنم و به این تصمیم رسیدم که هر طور شده از امیر انتقام بگیرم. برای همین موضوع را با دو نفر از دوستانم در میان گذاشتم و آنها قبول کردند به من کمک کنند.
خودم به صورت مستقیم امیر را نمی‌شناختم ولی یکی از دوستانم با او رفاقت داشت و قبول کرد این جوان را نزد من بیاورد. ما محلی خلوت را برای ملاقات تعیین کردیم و روز حادثه دو

داشت و منکر هرگونه ارتکاب جنایتی می‌شد تا اینکه سرانجام روز یکشنبه لب به اعتراف گشود و به ارتکاب جنایت و قتل «محمد» اعتراف کرد.
متهم به کارآگاهان گفت: «من جاقو را برای زدن پیمان تهیه کرده بودم و اصلا قصد اینکه کس دیگری را بزنم، نداشتم.
ولی چون صدهای ایجاد شده در سرم مدت پیش‌پنج سال بود مرا شکنجه و آزار می‌داد و پیمان را مقصر اصلی آن می‌دانستم، دیگر طاقت نیاوردم و در روز حادثه به منزل پدری پیمان رفتم، در حالی که پدر پیمان مقابل در واحد مسکونی خود شارژ ساختمان را پرداخت و قصد بازگشت به داخل خانه را داشت، از او سوال کردم «پیمان کجاست؟» و او در پاسخ جواب داد که پیمان به آمریکا رفته است من هم دیدم راه به جایی ندارم، به خاطر جواب دادن‌های سربالا از سوی پدر پیمان، ناآهان عصبانی شدم و با جاقو به او حمله کردم و پس از زدن چند ضربه جاقو از مجتمع فرار کردم؛ حتی زمانی که قصد فرار از داخل مجتمع را داشتم، از آسانسور استفاده نکردم و برای اینکه سریع‌تر به پایین ساختمان برسم، به سرعت از طریق راهپله به پایین آمدم و از مجتمع خارج شدم».

بنابر این گزارش متهم اکنون به بازپرس جنایی معرفی شده است و تحقیقات از وی ادامه دارد.

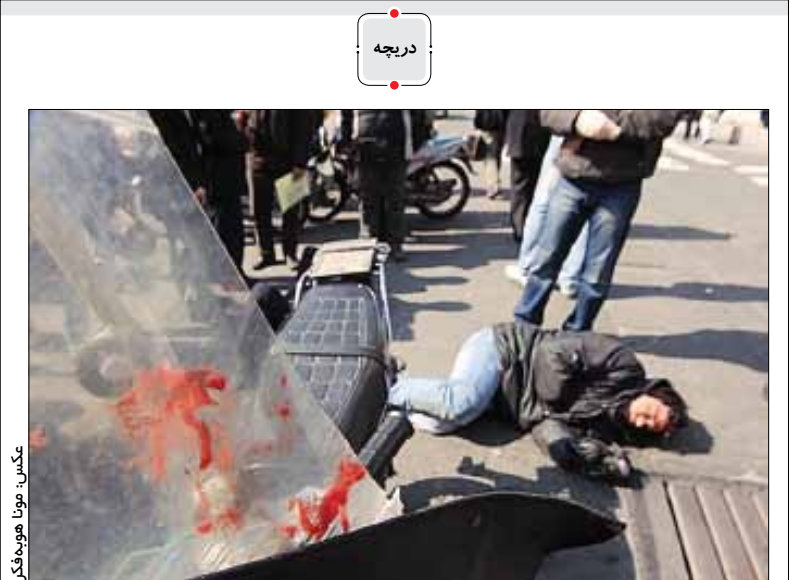
اهمیتی به درخواستم نداد.
دیگر به تلفن‌هایش جواب ندادم. تا اینکه دختر مورد علاقه‌ام با من تماس گرفت و گفت مرا دوست ندارد و از من خواست دیگر با او تماس نگیرم.
فهمیدم زیبا تهدیدش را عملی کرده است. تحمل زندگی بدون آن دختر را نداشتم به همین دلیل با زیبا تماس گرفتم و تهدید کردم به خانه‌اش می‌روم و هم او را می‌کشم و هم خودم را. او جواب داد تو جرات این کار را نداری.
تو مرد بیستی. خیلی از این حرف ناراحت شدم. این اواخر دیگر علاقه‌ای به او نداشتیم. از زیبا خواستم از زندگی‌ام بیرون برود. به او گفتم دیگر نمی‌خواهم با او رابطه داشته باشم. زیبا در حالی که به شدت ناراحت بود به من گفت اجازه نمی‌دهد ترکش کنم. اما واقعیت این بود که من دیگر این رابطه را نمی‌خواستم.
سجاد در ادامه گفت: زیبا دست‌بردار نبود و به من می‌گفت هر طور شده می‌خواهد مرا ببیند. به حرف‌هایش اهمیت نمی‌دادم. تا اینکه زیبا متوجه رابطه عاشقانه من با دختر جوان شد. او گفت اگر این دختر را ترک نکنی همه چیز را به او می‌گویم. من نمی‌خواستم این اتفاق بیفتد به همین دلیل سعی کردم زیبا را آرام کنم و از او خواهش کردم شرایطم را درک کند. زیبا حاضر نبود با من همراهی کند.
وقتی که دید تصمیم من برای ازدواج با دختری که عاشقش هستم قطعی است تهدیدم کرد و گفت همه چیز را به آن دختری می‌گوید. خواهش کردم این کار را نکنند اما زیبا

متهم ادامه داد: من آدم تنهایی بودم و کسی را نداشتم که در مورد مشکلاتم با او صحبت کنم و خشمم تمام شود. بعد از گفته‌های متهم و کیسل مدافع او در جایگاه حاضر شد و از موکلش دفاع کرد.
سپس دوباره متهم در جایگاه حاضر شد و درخواست کرد اولیای‌دم او را ببخشند.
او از ارتکاب قتل ابراز پشیمانی کرد.

بنا بر این گزارش با پایان یافتن جلسه محاکمه هیات قضات شعبه ۷۴ دادگاه کیفری‌استان تهران برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

همدستم امیر را سوار موتور کردند و پیش من آوردند. من حتی جاقو هم نداشتم و یکی از دوستانم جاقویی را به من داد، البته سعی کردم با آرایش برخورد کنم به همین دلیل از امیر پرسیدم چرا این حرف‌ها را پشت سر مادرم می‌زنی و آبروی ما را می‌برد. او به جای اینکه جواب درستی بدهد، عصبانی شد و شروع به داد و فریاد کرد من هم کنترل خودم را از دست دادم و با جاقو چندین ضربه به او زدم و بعد همراه همدستانم «کردم».

ماموران در ادامه تحقیقات دو همدست یاسر را بازداشت کردند و آنها نیز اتهام‌شان را پذیرفتند.
در ادامه بازسازی صحنه قتل انجام و با تکمیل تحقیقات مقدماتی پرونده به شعبه پنجم دادگاه کیفری استان فارس ارجاع شد.
در جلسه محاکمه یاسر و همدستانش نماینده دادستان اتهامات آنها را محرز دانست و خواستار مجازات این افراد شد.
اولیای دم مقتول وارد شده اعلام کردند خواستشان قصاص قاتل است.
در این جلسه یاسر بار دیگر اظهارات اولیه‌اش را تکرار کرد و همدستان او نیز به معاونت در قتل اقرار کردند.
در نهایت هیات قضات یاسر را سه قصاص و هر یک از دو متهم دیگر را به تحمل ۱۰ سال حبس محکوم کردند.
این رای با اعتراض متهمان همراه شد و این بار قضات شعبه ۲۶ دیوان‌عالی کشور مسوولیت بررسی پرونده را برعهده گرفتند و چند روز قبل اعلام کردند، رای صادره هیچ ایراد قانونی ندارد به این ترتیب یاسر در یک قدمی چوبه‌دار قرار گرفت.



تصادف موتور سواران
تصادف دو دستگاه موتورسیکلت باعث جرات سرنشینان آن شد.
این دو موتور صبح دیروز در تقاطع خیابان وصال‌شیرازی و انقلاب به شدت با یکدیگر تصادف کردند و هر دو نفر مجروح شدند.
بعد از این اتفاق امدادگران اورژانس تهران در محل حادثه حاضر شدند و مصدومان را برای انجام مداوا به مرکز درمانی منتقل کردند.
علت این حادثه هنوز مشخص نشده است.

نگاه

پیشگیری کنشی به جای واکنشی

یاسمن خواجه‌نوری*

■ مجازات به عنوان سلاحی برای پیشگیری از جرایم به عنوان سنتی‌ترین راهکار اجتماعی استفاده می‌شود. تصور موجود در مورد مجازات این است که خاصیت ارعاب و عبرت‌آموزی موثر مواقع می‌شود و مجازات مجرم پیشگیری از تکرار جرم از سوی مرتکب را به دنبال دارد و همچنین با مجازات مجرم انتظار می‌رود به‌کاران بالقوه هم که ممکن است در آینده مرتکب جرم شده، منصرف شوند. در واقع جامعه با چنین واکنشی قصد دارد با ایجاد ترس، مانع از آن شود که به‌کاران بالقوه و بالفعل به سوی جرم بروند.مجازات رویکرد سنتی است که در واقع واکنشی به جرم است. مجازات یکی اقدام کیفری محسوب می‌شود ولی باید توجه داشت اقدامات غیر کیفری در این زمینه موثرتر است.پیشگیری کیفری یا پیشگیری واکنشی و پیشگیری غیر کیفری یا پیشگیری در دسته پیشگیری کیفری یا واکنش قرار می‌گیرد که در واکنش به جرم و در قبال وقوع آن انجام می‌شود. این درحالی است که پیشگیری کنشی یا غیر کیفری فقط به جرم توجه نمی‌کند. رویکرد جرم‌مدارانه و واکنشی امری غیرقابل اجتناب است اما باید توجه داشت دانش جرم‌شناسی به علل و عوامل و چرایی جرم توجه دارد و اینکه چرا افراد به سمت ارتکاب جرم می‌روند. در دیدگاه جرم‌شناسانه توجه می‌شود که مجرم به چه دلیل به طرف جرم تسوق پیدا می‌کند و سعی می‌شود عوامل آن در جامعه از بین برود تا افراد به طرف ارتکاب جرم کشیده نشوند. پیشگیری غیر کیفری یا کنشی قبل از وقوع جرم به صورت غیرقهرآمیز از متناول‌ترین شیوه برای پیشگیری از جرایم است. البته باید تأکید شود که پیشگیری کنشی نیز به دو دسته فردمدار و موقعیت‌مدار تقسیم می‌شود. در اقدامات کنشی فردمدار تلاش می‌شود با تدابیر غیرقهرآمیز افراد به سمت هنجارها و قانون‌گرایی سوق داده شوند که این روش به شاخه‌های جزئی‌تر رشنمدار و جامعه‌مدار تقسیم می‌شوند.در پیشگیری کنشی فردمدار سعی می‌شود در سال اولیه زندگی، کودکانی که در معرض خطر هستند، شناسایی شوند و دور از شرایط پرخطر قرار گیرند و از آنها در برابر خطرات حمایت شود. کودکانی که در معرض اعتیاد قرار دارد باید شناسایی شود و دور از خانواده معنادار قرار گیرد تا در آینده به سوی شرایط مشابه سوق پیدا نکنند.از طرفی پیشگیری کنشی جامعه‌مدار بر اتقای سطح زندگی، رفاه اجتماعی، اشتغال برای همه، امکان دسترسی به آموزش و پرورش و شغل تأکید دارد.وقتی دلایل اساسی ارتکاب جرم از بین برود، دلیلی برای مجازات که یک سلاح اجتماعی در برابر جرایم است وجود نخواهد داشت. باید توجه داشت که مجازات به تنهایی موثر نیست و اگر موفق بود باید نتیجه آن تاکنون دیده می‌شد.بخش دیگری از اقدامات کنشی (غیر کیفری) همان‌طور که تأکید شد، پیشگیری کنشی وضعی با موقعیت است که در این شیوه زمینه‌های مساعد برای ارتکاب جرم از بین می‌رود مثلا در محلی که سرقت خودرو سابقه دارد نگذارند برای می‌گذارند یا اگر تاریک است، لامپ می‌گذارند و برای خودرو در دزدگیر نصب می‌کنند. این شیوه نیز بدون توسل به زور و غیر کیفری است اما این شیوه نیز مانند مجازات درمان جرم نیست و موفق است و در واقع مسکنی برای جلوگیری از جرم است. درنهایت باید گفت پیشگیری فردمدار و جامعه‌مدار بهترین انواع پیشگیری است چون ریشه‌ها و عوامل جرم در جامعه از بین می‌رود.

*جرم‌شناس و استاد حقوق جزا

حادثه‌ها

۷ کشته در تصادف پژو با کامیون

■ **ایسنا:**
برخورد پژو ۴۰۵ د کامیون بنز موجب مجروحیت شش نفر و کشته شدن هفت نفر شد.
سرهنگ صمداسفندیاری معاون عملیات پلیس‌ار کثور با بیان اینکه این تصادف در کیلومتر ۴۵ جاده داراب در استان فارس رخ داد، گفت:
هف نفر فوت در محل حادثه کشته و شش نفر نیز راهی بیمارستان شدند.
وی با بیان اینکه کارشناسان تصادفات پلیس‌ار تجاوزه به چپ از جانب راننده سواری پژو ۴۰۵ را علت بروز این حادثه عنوان کرده‌اند، گفت:
بیشتر کشته‌شدگان و مجروحان مسافر سواری پژو بودند که در صندوق عقب این خودرو مخفی شده بودند.
به گفته وی به نظر می‌رسد راننده این خودرو اقدام به قاچاق افافنه می‌کرد.

بی‌احتیاطی قهوه‌خانه را به آتش کشید

■ **شرق:**
رعایت نکردن اصول ایمنی و سهل‌انگاری کارگر قهوه‌خانه در روشن ماندن بخاری برقی حادثه آفرید و بامداد دیروز موجب رخداد آتش‌سوزی شد.
به گزارش روابط عمومی سازمان آتش‌نشانی تهران، با اطلاع‌رسانی این آتش‌سوزی به سامانه ۱۲۵ بلافاصله آتش در ساعت ۷:۲۰ به سوی محل حادثه در بزرگراه سعیدی حرکت کردند.
به گفته محمد طاهرآبادی فرمانده ایستگاه ۸۱، شعله آتش و دود زیادی از قهوه‌خانه بیرون می‌رفت و آتش‌نشانان بلافاصله با استفاده از تجهیزات خاموش‌کننده و انجام عملیات آبرسانی شعله‌های آتش را مهار و خاموش کردند.
آتش‌نشانان همچنین موفق شدند کارگری را که در قهوه‌خانه گرفتار شده بود، نجات دهند.